

تا مرخص گردانیدم و بعد از آن به بلال ایام گذشته و به خاطر رسوایی و معطر مران دوران گذشته را بگفتم که  
 گامی که از مطالعه فارغ شدم و در صورت فراموشی برسانم گذشته و آن سالها زیاده طلبی بکنم آرا که می بینم خطرات  
 مکتوبان عمر در نظم محکم مکتوبان در راه و معاصر گاه که به گذشته و از آنجا خطرات باقی ماند حالا از آن مانع شدم ای  
 از آن باغها را در این مکتوب و شعر و هم سازند بگردانم که هیچ خط کتاب اند.

در لندن چه خبر؟ از عصبانیت کارکنان سازمان آب و مهندسی بار مردم فراموش کرده اند و آب را برادر معروف میگویند به بادی مکتوبت  
 با عصبانیت من مبارزه کرده و قرار است عصبانیت با من رود با بادی را مکتوب بر بار اجازت زبان انگلیسی و کمی هم ترجمه دارد که بعد از  
 وضع محبت کنند که مثل اخبار فانی هم این قافیه است این خبر را می خورد پس مکتوبت و ما بهتر در جهان کار مکتوبت دنیا با و  
 جدید وضع نیمه نزدیک است اخبار و تصویر به کرد اگر آمدن در هر شب قبل تا حکایتان و از آنجا که مراد که کوفی  
 وزیر نور ایران با این کار که به خیانت و کرم که از آن مراد با مدرس و آس با اینها و فانی محبت کردن آنجا که به  
 و یاد تاریخ گذشته ایران اشعار و شعر و در «بورجی مولان آید هر چه با اینها در میان آید هر» در سخنان امیران سازمان  
 نشان میداد با همان وضع چند روز پیش و شعر که شاعر در وصف شاه مجلس حضور کرده که در کاسه سر سبک خان از این  
 که آنرا طلا کرده بود برای من میفرستاد «کاسه سر سبک در کاس در کاس دوران مرا دارد این خوش خواب آید بر آن مرا»  
 مرا خواهی گفت که نامه ام به بنفورت در آمد و در کمال نامه که عادی فارغ شد و وقت را مکتوب بر این خواهد که کرم که از آن  
 عیار زد. نامه را که مکتوب و مکتوب کرم که اگر توام با مکتوب حال تقدیر مکتوبت. امیدوارم در معالجه کوشش و مکتوب باقی  
 و مرا با نامه که کرم و محبت آمیزت و دکتر تا زیت آیدت برسد.

وقت عذر  
 ۱۸ اردیبهشت